

میثم مهدیار، جامعه‌شناس درگفت‌وگو با «فرهیختگان»:

جمهوری اسلامی ملیت و اسلام را به هم گره زد

احمدرضا سپه‌وند خبرنگار

ابراز دوغانگی و ایجاد شکاف بین ایران و اسلام که این روزها تحت عنوان دوغانگی امت و ملت مطرح شده است، حاصل عدم اشراف و علم به سیر تاریخی و ندانستن چگونگی گره خوردن هویت ایرانیان با اسلام است. هویت ایرانی همیشه دارای ارزش ها و مؤلفه‌هایی بوده که با گزاره‌های اسلامی تطابق داشته و همین تطابق و همراهی ارزش‌های ایرانی با آموزه‌های دین اسلام باعث شده است ایرانیان در تمامی برچه‌های زمانی نسبت به دین اسلام اشتیاق داشته باشند. در برهه‌هایی از زمان این ارتباط کم‌رنگ شده است و گاهی هم پررنگ، اما به دلیل همبستگی این دو، هرگز از یکدیگر جدا نشده‌اند. امروز ابراز دوغانه امت و ملت دیگر اصلاً معنایی ندارد و ملت ایران یک هویت واحد دارد که در آن ارزش‌های تاریخی ایرانیان و ارزش‌های اسلامی با یکدیگر ترکیب شده و یک هویت واحد ملی را به وجود آورده است. این هویت در دل خودش، هم عشق به وطن را دارد و هم ارادت به سالار شهیدان، امام حسین (ع)، ترکیب و به هم پیوستن این دو باعث شده که ملتی بی‌پاک در دفاع از ارزش‌های خودش به وجود بیاید و در مواقع بحرانی بروز پیدا کند. حماسه عاشورا نقطه اوج همبستگی و ملی‌گرایی ما ایرانیان است و شاید بتوان گفت پررنگ‌ترین و اثرگذارترین اجتماع مردم‌سرتاسر کشور ماست که هر ساله یادآور آموزه‌ها و ارزش‌هایی مانند رشادت و ایثار و جوانمردی و زیر بار ظلم نرفتن و طرف حق ایستادن است. بیریق اباعبدالله(ع) این‌روزها محل عزاداری و بازپروری روحیه ایرانی –اسلامی ایرانیان است. امروز همه باید بفهمند و بدانند که این دوغانه مطرح‌شده معنایی ندارد و همه ارکان و نهادهای اجتماعی ما ترویج‌دهنده این نوع نگاه و فهم باشند. دکتر میثم‌مهدیار، جامعه‌شناس و استاددانشگاه‌در خصوص سیر تاریخی همبستگی ایرانیان با اسلام، آثار این همبستگی و نقش ایام محرم و مناسک عاشورایی در ترویج این همبستگی را در ادامه توضیح می‌دهد.

ایرانیان پیش از اسلام آمادگی پذیرش اسلام را داشتند

میثم‌مهدیار، عضوهیئت‌علمی دانشکده‌علوم اجتماعی دانشگاه‌علامه طباطبایی در مورد سیر تاریخی ورود اسلام و تبدیل شدن به هویت ایرانیان می‌گوید: «دوغانه‌ای که امروزه‌در موردآن صحبت می‌شود، ریشه‌ای تاریخی دارد و باید با دید درست و باتوجه‌به سیر تاریخی آن، به این موضوع پرداخته شود. اگر بخواهیم با دید تاریخی به آن نگاه کنیم از بدو ورود اسلام به ایران این دوغانه طرح شده است. از زمان امویان و به واسطه خلافت آن‌ها و نگاه نژادپرستانه و قوم‌گرایانه‌ای که داشتند خیلی از ایرانی‌ها را مورد اذیت و آزار قرار می‌دادند و ایرانی‌ها در نواحی مختلف ایران شورش‌هایی علیه اموی‌ها به پا کردند و که به آن‌ها جریان‌های مرجه گفته می‌شود. ازاین‌دست اتفاقات در دو سده اول ورود اسلام به ایران بسیار رخ می‌داد. ایرانی‌ها در آن زمان باروح کلی و حقیقی اسلام همراه بودند و به آن علاقه داشتند، به همین خاطر بود که از ساسانیان حمایت نکردند و لشکر مسلمانان براحتی توانست ایران را فتح کند. ایرانی‌ها در آن زمان پیامی که رسول خدا برای آن‌ها داشت را به‌خوبی درک کرده بودند و به آن اشتیاق داشتند، اما از طرفی با تجلی سیاسی مسلمانان که آن‌زمان خلافت‌اموی‌ها بود و گاهی رفتارهایی برخلاف شنون اسلام داشتند چندان همراه نبودند. به‌خصوص در همان زمان خلافت اموی که قیام‌های زیادی بر علیه اموی‌ها پیشامد، اما باز هم این رفتارهای ناشایست خلافت‌های اسلامی باعث نمی‌شد ایرانیان روح اصیل و اصلی اسلام را فراموش کنند و همچنان نسبت به آن اشتیاق داشتند؛ چراکه خلیقات و اخلاق ایرانیان با آموزه‌های اسلام نزدیکی داشت و اسلام واقعی‌ای که در آن زمان درک کرده بودند باروحیه آن‌ها بسیار تطابق داشت؛ به‌خصوص جریان شیعه و جریان علی ابن ابی‌طالب(ع) که بسیار زیاد با ارزش‌های ایرانیان همخوانی داشت. بعدازاین به قیام علویان رسیدیم، ایرانیان به سمت آن‌ها گرایش یافتند و کم‌کم هویت خود را در علوی بودن پیدا کردند و قیام‌های آن‌ها در طبرستان و مناطق دیگر ایران به واسطه ایرانیان شکل گرفت و بعداً حکومت علویان و زیاریان و حکومت‌های دیگر روی کار آمدند تا به همین شکل این روند ادامه داشته باشد و رفته‌رفته ایران به کل شکلی شیعی به خود بگیرد.»

نمادهای ایرانی، پیش‌قدم در همبستگی اسلام و ایران است

مهدیار با اشاره به تأثیر فردوسی در ایجاد همبستگی ایران و اسلام عنوان کرد: «در آن دو سده اول علاوه بر جریانی که مسیر خود را طی می‌کرد، ایرانیان در حوزه تفکر شیعی هم وارد شدند و در حوزه اندیشه هم از تشیع بهره می‌گرفتند. مهم‌ترین شخصی که در آن زمان این موضوع را بسط و گسترش داد حکیم ابوالقاسم فردوسی بود. او تلاش کرد دوغانه‌ای را که در زمان اموی‌ها ایجاد و مستلسم‌ساز شده بود، حل کند و توانست در تلاشی موفق این دوغانه را حل

کند و دوغانه اسلام و ایران را از بین ببرد و آن‌ها را با هم ترکیب کند و هویت ایرانی اسلامی را به ارمغان بیاورد و موجب وحدت شود. فردوسی یک‌شاه آرمانی را ترسیم می‌کرد که از یک سو به وحی و آسمان وصل است و از طرفی هم به واسطه داد و عدالت به مردم وصل است و این پادشاه میانجی بین عالم بالا و عالم جامعه است. فردوسی به‌خوبی ترسیم کرده تا هر یک از این دو بعد آسمان و جامعه دچار اختلال نشود. برای بیان این تعبیر عمیق، فردوسی از روایت‌های اسطوره‌ای بسیاری استفاده می‌کند و شاه آرمانی و جامعه توحیدی را به نمایش می‌گذارد. در تعبیر او، شاه باید ذیل وحی باشد و نمی‌تواند طاغوت باشد، همچنین برای کنترل شاه افرادی وجود داشتند و پهلوان‌هایی بودند که جلوی زورگویی و خودسری پادشاهان را می‌گیرند. این دقیقاً همان تعبیر عمیق اسلام است که در کلام فردوسی تبیین می‌شود.»

دوغانه اسلام و ایران در دوره قاجار و پهلوی مجدداً بازگشت

این جامعه‌شناس در مورد وضعیت مواجهه مردم عصر قاجار و پهلوی با هویت اسلامی تصریح کرد: «ایرانیان نزدیک به هزارسال این دوغانه را حل کرده بودند و دیگر این دوغانه وجود نداشت. در زمان قاجار و شکست‌های ایران از روسیه و تأمل در مورد علت‌های شکست موجب ایجاد یک پرسش در ذهن روشنفکران شده بود. یکی از پاسخ‌های غلطی که طرح شد در آن زمان در مورد دلیل شکست ایران از روس، مسلمان بودن ایرانیان و وجود اسلام در ایران بود. سر جان ملکم دراین خصوص می‌گوید اسلام دینی غیرعقلانی است و در آن بسیار خرافات وجود دارد و اسلام دینی است که با ترقی همراه نیست و تا وقتی که اسلام در ایران هست رشدی در ایران وجود ندارد و این باعث شد مجدداً به دوغانه اسلام و ایران دامن زده شود. البته خود پادشاهان قاجار خیلی به این موضوع روی خوش نشان ندادند ولی در بیرون از دربار و در حاشیه دربار این فکر بسیار در حال رشد بود. بعدها در زمان پهلوی متأسفانه این موضوع دوغانگی برخلاف زمان قاجار به طور رسمی در خود در بار هم وجود داشت و علناً و ضمناً با جریان شیعه و اسلام در ایران مخالف بود و سنگ بنای سلطنت خود را بر این موضوع نهاد و در پهلوی دوم هم این موضوع جریان داشت.»

جمهوری اسلامی ملیت و ایرانیت را به هم گره زد

او در مورد تأثیر انقلاب اسلامی بر شکل‌گیری هویت اصیل و اصلی ایرانی گفت: «این فرایند و مسیر تاریخی گذشت تا زمان انقلاب اسلامی. انقلاب اسلامی اساساً خودش نتیجه واکنش به این شکاف و دوغانگی بود و در پی این موضوع بود که این دوغانگی را حل کند. شور حسینی و مراسم مذهبی و مخصوصاً ماه محرم باعث شکل گرفتن اجتماعات بزرگ مردمی و بسیج شدن مردم برای کنارگذاشتن حکومت پهلوی بود. انقلاب اسلامی توانست حالت ایرانی – اسلامی و هویت تاریخی فرهنگی گره‌خورده اسلام و ایران را بازتولید کند. انقلاب اسلامی باعث شد این هویت ایرانی اسلامی هم در فرم و هم در محتوا شکل بگیرد و وحدت آرمانی بین عقل و وحی را دوباره برقرار کرد؛ وجود ولایت‌فقیه نشانه همبستگی عقل ووحی است. در واقع جمهوری اسلامی تلاش کرد و توانست ملیت را با ایرانیت گره بزند.»

ایرانیان با نام امام حسین (ع) از ایران دفاع کردند

مهدیار در خصوص جدانودن اسلام از هویت ایرانیان گفت: «انقلاب اسلامی توانست شکاف بین اسلام و ایران را التیام ببخشد و به خصوص در دوران جنگ هشت ساله تحمیلی این همبستگی به اوج خودش رسید و مشخص شد همان مذهبی‌ترین‌ها اتفاقاً ملّی‌گراترین‌ها هستند. در جنگ تحمیلی چه کسانی بیشتر برای حفظ موجودیت ایران جان‌فشانی کردند؟ دقیقاً همان کسانی که نیروی سلحشوری خود را از اهل بیت گرفته بودند. ایرانیان با نام امام حسین(ع) از ایران دفاع می‌کردند و با نام امیرالمؤمنین روحیه دفاع خود را حفظ می‌کردند و با همین روحیه مسلمانان آن‌ها بود که ایران حفظ شد و خاک مقدس ما از بین نرفت. در آن زمان حدود ۱۴ کشور به رژیم بعث کمک می‌کرد و هر کشوری با هرچه داشت به این رژیم کمک می‌کرد. ما حدوداً از ۱۷ کشور در زمان جنگ اسیر جنگی داشتیم، یعنی حتی سرباز هم به این رژیم می‌دادند برای مقابله با ایران. ایران هم در مقابل آن‌ها فقط یک هویت منسجم بر پایه عشق به وطن و مؤلفه‌های دینی داشت.»

نمایش همبستگی ایرانی – اسلامی در بعد نمادین کم‌رنگ شد

او با اشاره به ضعف در بازسازی و ارتباط‌سازی با نمادهای تاریخی ایرانی عنوان کرد: «بعد از جنگ تحمیلی این همبستگی ایران و اسلام در بعد نهادی اتفاق افتاد اما در بعد نمادین به‌خوبی اتفاق نیفتاد. در سال‌های اول انقلاب نهادهایی شکل گرفت مانند جهاد سازندگی یا بعداً دستور تشکیل بسیج ۲۰ میلیونی که

پایه و اساس این نهادها بر قوت و روحیه پهلوانی و دادخواهی بود که تماماً از نمادها و ارزش‌های ایرانی است، همچنین ایده حمایت از مستضعفین عالم برآمده از روحیه خاص ایرانی است که بر مبنای عدالت و جوانمردی است و در اثر گره‌خوردن این روحیه با آموزه‌های اسلامی، به اوج خودش می‌رسد. این‌ها همه در بعد نهادی باعث همبستگی ایران و اسلام بود، اما در بعد نمادین، به دلیل اینکه حکومت پهلوی برخی نمادهای ایرانی را تبدیل به نماد خود کرده بود و در پی این بود که با پیوندزدن خود با این نمادها برای خود هویتی جعلی خلق کند و بعضاً هم برخی به غلط این نمادهای ایرانی را نماد آن حکومت می‌دانستند، انقلاب اسلامی توانست از این نمادها به‌خوبی ارتباط برقرار کند و امکان بهره‌گیری از این نمادها وجود نداشت. درحالی‌که پهلوی با پیوند خود به هخامنشی و ششاهان آن و نشان‌دادن روحیه شاهی و حتی استبداد شاهی، سعی داشت به‌نوعی غیرتوحیدی پیوندی میان حکومت خود با آن حکومت بزرگ برقرار کند. برخی از این عدم توانایی‌ها در ارتباط برقرارکردن باعث شد آن وجه نمادین ارتباط کم‌رنگ بشود؛ اما باید توجه داشت که این دوری بعد نمادین دلیلی بر نادیده‌گرفتن بعد نهادین نیست.»

اجتماعات ما همچنان ترکیب ایران و اسلام است

مهدیار با اشاره به این که انقلاب اسلامی را مدیون همین روحیه و هویت ملی اسلامی هستیم، گفت: «با این که گفتیم در بعد نمادین ضعیف عمل شده است و باید بهتر کار می‌شد، اما همچنان اجتماعات ما هویت خود را در ترکیب ایران و اسلام به دست می‌آورد و همچنان هم نهادهای اجتماعی ما بر پایه ترکیب همین دو اصل هویتی خود قرار دارند و در بعد نهادین جدایی‌یی بین این دو اصل نبود. حتی برخی از ابعاد تاریخی و ملی ما کمک کرد تا انقلاب اسلامی پدید بیاید و شکل بگیرد. انقلاب اسلامی برگرفته از هویت ملی و برواسته از دل جامعه بود و این انقلاب به دست آمده از روحیه جمعی تاریخی –سنتی ایران بود.»

ضعف داخلی و فشارهای بیرونی دلیل از بین رفتن هویت ایرانی نیست

مهدیار برخی از ضعف‌های بازتولید هویت ایرانی –اسلامی را بیان می‌کند و می‌گوید: «سیاست فرهنگی که جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفت، باعث شد که بعد نمادین بر روی بعد نهادین تأثیر بگذارد و رفته رفته بعد نهادین هم تضعیف شود. از بازتولید تاریخی و فرهنگی درست فاصله گرفتیم. مثلاً در دهه ۸۰ جهاد سازندگی در ساختاری دیگر حل می‌شود و از این قبیل کارها در حوزه‌های مختلف سیاسی و فرهنگی و علمی و… انجام می‌شود و کشور و ما از بازتولید اجتماعی تهی می‌شود. نه صرفاً در یک دوره دولت خاص، تقریباً در تمام دوره‌ها این اتفاق می‌افتد. البته بخش اعظم آن هم به دلیل نمداسازی غلط پهلوی است که به آن اشاره کردیم. بخش دیگر آن هم به دلیل فشارهای خارجی بود که بر همین شکاف تمرکز کرد و باعث عمیق شدن این شکاف‌ها گردید و بحران‌های این شکاف را دوچندان کرد. در کنار این دو، از دهه هفتاد و هشتاد به بعد پروژه پهلوی‌ها شروع به بازتولید شدن کرد و آن پروژه دوغانه‌سازی را پر رنگ کردند و بر روی شکاف‌های موجود تمرکز کردند و در این مسیر از نهادها و رسانه‌های مختلفی استفاده کردند.»

عاشورا ملی‌ترین آیین ایرانی‌هاست

مهدیار در خصوص تأثیر مناسک محرم بر حفظ هویت ملی می‌گوید: «با همه این اوصاف مطرح شده، بازتولید روحیه ایرانی –اسلامی شاید روند کندی داشت، اما متوقف نشده بود. مراسمات و مناسک‌های مذهبی ما و اجتماعات مذهبی ما همه جلوه‌هایی از بازتولید این هویت و فرهنگ اصیل است. در صدر آن‌ها مناسک عاشورایی است، مناسکی که گوشه به گوشه و در تمام کویه و خیابان‌های ما در ایام محرم و صفر وجود دارد. عاشورا شاید ملی‌ترین آیین ما است؛ در عاشورا مردم تمام نقاط کشور ما به میدان می‌آیند و در این راه هزینه می‌دهند، نذر می‌کنند و خیلی زحمت می‌کشند برای این ایام. ما مناسبی هم مثل شش‌پلدا داریم که نمادی ایرانی است، ولی این نماد جشنی خانوادگی و کوچک است؛ ولی ایام محرم و عاشورا اینگونه نیست و یک هویت جمعی بسیار بزرگ است و اگر بخواهیم درجه‌بندی بکنیم مناسک ملی خودمان را، عاشورا و محرم بسیار ملی‌تر از خیلی از مناسک دیگر کشور ما است. یعنی خود مناسک عاشورایی خودش نوعی زنده نگه دارنده ارزش‌ها و هویت ایرانی ما بوده است و باعث انسجام ملی ما بوده است و ارزش‌های شجاعت، قوت، ظلم ستیزی، از خود گذشتگی، ایثار و بسیاری دیگر از ارزش‌های ما ایرانی‌ها را زنده نگه می‌دارد.»

پای کار بودن در بحران‌ها

نتیجه همبستگی ارزش‌های ملی و مذهبی است

او با یادآوری بحران‌ها و بلایای طبیعی چند سال اخیر ایران گفت: «هویت

ایرانی –اسلامی ما همیشه در سختی‌ها پای کار است. به طور مثال در زمان زلزله سربل زهاب سیل کمک‌های مردمی به سمت این منطقه روانه شده بود به‌شخصه شاهد صف چند کیلومتری ترافیک ماشین‌هایی بودم که برای کمک رساندن به این منطقه آمده بودند و یا در سیل لرستان و خرم آباد یا مثلاً در سیل مناطق شمالی همیشه این هویت اصیل نمایان بوده است. برای شفاف‌تر شدن این هویت باید اشاره کنیم به پوشش ایران همدل؛ در این پوشش که برای کمک به مظلومان و ستم دیدگان دیگر کشورها بود، در حالی که خودمان در تحریم هستیم و شاید زندگی برخی خانواده‌ها سخت است، فقط طلاهایی که جمع شده بود نزدیک به ده‌هزار میلیارد تومان بود. طبیعی است برای همچین جامعه‌ای که در بحران‌ها پشت هم باشند و انسجام ملی خود را حفظ کنند. این یک اتفاق جدید و تازه نیست و ملت ما به‌خاطر آن هویت اصیلی که دارد که تماماً مروهون ارزش‌های تاریخی و مذهبی ما است، همیشه و در هر حالی که دچار بحران شود، این ملت به این گونه و به زیبایی تمام پشت یکدیگر است.»

باید درک درستی از مناسک عاشورایی به دست بیاید

مهدیار با اشاره به اهمیت ایجاد درک درست از هویت ایرانی –اسلامی و مشخص کردن آن می‌گوید: «خود مناسک محرم و مناسک عاشورایی و هر یادآوری حماسه‌های عاشورایی خودشان باعثی برای بازتولید هویت ملی ما است. هیئت‌ها که در این ایام به خوبی دارند کار خود را انجام می‌دهند. مشکل ما روشنفکرانی است که درک درستی از وقایع ندارند و به همین دلیل باعث ایجاد این دوغانگی‌ها می‌شوند که در پی آن امروز به دنبال حل و رفع این دوغانگی‌ها باشیم. ما باید بدانیم که اتفاقاً همین مناسک عاشورایی است که باعث به وجود آمدن این انسجام است. مناسک عاشورایی است که حمل‌کننده بسیاری از ارزش‌های تاریخی ما است و توانسته دولت و ملت را در ایران به یکدیگر پیوند بدهد. ملی‌ترین عرصه اجتماعی ما مناسک عاشورایی است و این مناسک نه صرفاً بخشی از هویت ما بلکه اصل هویت اجتماعی و جمعی ما است. این عاشورا یکی از مناسک مذهبی ما و یکی از مناسک تاریخی ما است. در واقع مناسک عاشورایی اوج داد و دهش و عدالت خواهی و ایثار و مشارکت و نذر و وقف است که هویت ما است.»

عاشورا یک نهاد اجتماعی است

این جامعه‌شناس تا تأکید بر قدرت اجتماع‌سازی عاشورا عنوان می‌کند: «عاشورا یک نهاد اجتماعی است و این نهاد اجتماعی فرق دارد با جمع‌ها. عاشورا یک پیام جمعی و یک زیست جمعی دارد. عاشورا زیر ساخت فرهنگی کشور ما است و اگر می‌خواهیم علت این همه روحیه ایثار را در جنگ اخیر بفهمیم، باید بدانیم که همین مناسک عاشورایی است که باعث این حماسه شده است.»

مهدیار با اشاره به تنیده شدن هویت ملی و دینی ایرانیان در یکدیگر و نبود جدایی در این دو می‌گوید: «تمام ارکان و نهادهای ما باید بدانند و فهم تاریخی داشته باشند به‌سیر تاریخی و فرهنگی‌ای که باعث شده است که هویت ایرانی –اسلامی به‌وجود بیاید. اگر این فهم به‌وجود بیاید دیگر مسئله‌ای تحت عنوان تلاش برای حل دوغانگی‌ها و شکاف بین آن‌ها نیاز نیست، چرا که این فهم باعث می‌شود که بفهمیم اساساً دوغانگی‌ای وجود ندارد که بخواهیم برای رفع آن تلاش کنیم و فقط باید این نبود دوغانگی را برای دیگران مشخص کنیم. نیاز به طراحی خاصی ندارد این موضوع، فقط باید درک درست ایجاد شود.»

هیئت‌ها باید فرم دادخواهی و یاریگری خود را حفظ کنند

مهدیار در مورد نقش هیئت‌ها در راستای افزایش درک عمومی در خصوص هویت اصیل ملی اشاره می‌کند: «هیئت باید نسبتی با محله داشته باشد. هیئت‌ها باید محلی باشند و وجه محله‌ای داشته باشند و هیئت که نهادی تاریخی است و فرم و ارزشی تاریخی دارد که بر پایه ارزش‌های اصیل بسیاری است باید در این ایام این ارزش‌های اصیل را ترویج دهد و در این راستا تلاش کند. یعنی باید فرم دادخواهی و یاری‌گری را حفظ کند و آن را ارائه بدهد. هیئت‌ها باید در طول سال ارتباط و برنامه‌های مداوم داشته باشند تا تأثیر درستی بر محله خود و مردم داشته باشند. عمق هویتی هیئت بسیار زیاد است و باید بر این عمق هویتی تمرکز کرد.»

رسانه‌ها باید از هیئت‌های نمونه حمایت کنند

او در مورد نقش پر اثر رسانه‌ها در این تبیین می‌گوید: «رسانه‌ها باید بتوانند الگو پردازی بکنند هیئت‌های نمونه را. حمایت کنند از هیئت‌هایی که در این شب‌ها زحمت می‌کشند و به درستی عمل می‌کنند. رسانه‌ها حتی باید انحرافات برخی هیئت‌ها را هم در این شب‌ها پوشش بدهند تا مانع گسترش آن باشند. رسانه‌ها باید کمک کنند و تولیداتی داشته باشند تا ارزش‌های اصیلی که مناسک عاشورایی داشت و مطرح کردیم را این شب‌ها نمایان کند و آن‌ها را ترویج دهد.»

